



تفصیل صاحب فصول

مرحوم آخوند با توجه به سخن مرحوم صاحب فصول اشاره می‌کنند که در اینکه «امارات» بعد از کشف خلاف مجزی از احکام واقعی نیستند، فرقی بین این نیست که بگوییم امارات، جعل حکم طریقی می‌کنند و یا اصلاً هیچ حکمی را جعل نمی‌کنند و صرفاً منجز و معذر هستند.^۱

و همچنین فرقی نیست که امارات به اصل وجود حکم (مثل وجوب نماز جمعه) تعلق بگیرد و یا به متعلقات و موضوعات احکام (مثل اینکه جلسه استراحت محلّ صلاة نیست)

«قیل بأن قضية اعتبارها إنشاء أحكام طریقیة ، أم لا علی ما مرّ منّا غیر مرة، من غیر فرق بین تعلقه بالأحكام أو بمتعلقاتها ، ضرورة أن کیفیة اعتبارها فیهما علی نهج واحد»^۲

ما می‌گوییم:

۱. در مباحث سال ششم به طور مفصل به این تفصیل اشاره کرده‌ایم و نظرات مخالفین این مطلب را نیز در همان جا مطرح کردیم.

۲. اصطلاح حکم و متعلق حکم در اصول به معنایی است که معروف است، اما مرحوم سید ابوالحسن اصفهانی - که شاگرد مرحوم آخوند بوده است - می‌گوید که در این مبحث، مراد از متعلقات حکم، احکام وضعیه است:

«المراد بمتعلقات الاحکام هاهنا هی الأحکام الوضعیة مثل الزوجیة والملکیة والشرطیة والجزئیة لمرکب ونحوها»^۳

۳. مرحوم آخوند در ادامه سپس اشاره می‌کنند که اگر قائل به «سببیت اماره شویم، باید قائل به صحت اعمالی که مطابق با اجتهادات غلط بوده است» شد:

«وأما بناءً علی اعتبارها من باب السببیة والموضوعیة ، فلا محیص عن القول بصحة العمل علی طبق الاجتهاد الأوّل ، عبادةً کان أو معاملةً ، وكون مؤداه - ما لم یضمحل - حکماً حقیقة»^۴

۴. ایشان همچنین درباره اجتهادهایی که مطابق اصول عملیه بوده است (و ما فرق آنها را در مباحث سال ششم اصول مطرح کرده بودیم)، می‌نویسد که اعمالی که مطابق با اصول عملیه بوده است و بعد بطلان آنها معلوم شده است، صحیح است.

^۱ . رک: مباحث تخطئه و تصویب که به عنوان مسئله هشتم در ص ۱۵۵ درسنامه امسال مطرح کردیم.

^۲ . کفایة الاصول، ص ۴۷۰

^۳ . منتهی الوصول، ص ۳۷۲

^۴ . همان، ص ۴۷۱



«و كذلك الحال إذا كان بحسب الاجتهاد الأوّل مجرى الاستصحاب أو البراءة النقلية ، وقد ظفر فی

الاجتهاد الثانی بدلیل علی الخلاف ، فإنّه عمل بما هو وظيفته علی تلك الحال»^۱

۵. مرحوم آخوند به تفصیل مرحوم صاحب فصول اشاره می‌کند و آن را مردود برمی‌شمارد. مرحوم صاحب فصول درباره «اجتهادات ناشی از امارات» بین جایی که اماره در بیان اصل حکم وارد شده است و جایی که در بیان متعلق حکم وارد شده است فرق می‌گذارد: (در این باره لازم است به آنچه مرحوم سید ابوالحسن اصفهانی در توضیح «متعلق حکم» مطرح کرده‌اند هم توجه شود)

«ولم يعلم وجه للتفصيل بينهما، كما في الفصول، وأن المتعلقات لا تتحمل اجتهادين بخلاف الأحكام، إلّا حسب أن الأحكام قابلة للتغير والتبدل ، بخلاف المتعلقات والموضوعات ، وأنت خير بأن الواقع واحد فيهما ، وقد عين أولاً بما ظهر خطؤه ثانياً ؛ ولزوم العسر والجرح والهرج والمرج المخلّ بالنظام والموجب للمخاصمة بين الأنام ، لو قيل بعدم صحة العقود والإيقاعات والعبادات الواقعة على طبق الاجتهاد الأوّل الفاسدة بحسب الاجتهاد الثاني ، ووجوب العمل على طبق الثانی ، من عدم ترتيب الأثر على المعاملة وإعادة العبادة ، لا يكون إلّا أحياناً ، وأدلة نفى العسر لا ينفي إلّا خصوص ما لزم منه العسر فعلاً ، مع عدم اختصاص ذلك بالمتعلقات ، ولزوم العسر في الأحكام كذلك أيضاً لو قيل بلزوم ترتيب الأثر على طبق الاجتهاد الثانی في الأعمال السابقة ، وباب الهرج والمرج ينسد بالحكومة وفصل الخصومة.

وبالجملة : لا يكون التفاوت بين الأحكام ومتعلقاتها ، بتحمل الاجتهادين وعدم التحمل بيناً ولا ميبناً، بما يرجع إلى محصل في كلامه - زيد في علو مقامه - فراجع وتأمل.»^۲

توضیح:

۱. صاحب فصول بین صورتی که اماره بر اصل حکم قائم شده باشد (مثلاً خبر واحدی وارد شده است و دعای عند رؤیة هلال را واجب دانسته و بعد دلیل دیگری یافت شد که آن را حرام می‌داند) و صورتی که اماره بر متعلق حکم واقع شده است (اصل وجوب در نماز مسلّم است ولی اماره گفته بود، نماز ظهر واجب است و بعد اماره جدیدی یافت شد که ثابت کرد نماز جمعه واجب است)

۲. صاحب فصول فرموده است که در اصل حکم ممکن است بتوان دو اجتهاد مختلف داشت ولی در متعلق نمی‌شود.

۱. همان

۲. همان، ص ۴۷۰



۳. اگر مرحوم صاحب فصول بگوید: «اگر در قبول اجتهاد در متعلق ها قائل به عدم اجزاء شویم، عسر و حرج لازم می آید» (به اینکه تمام عقودی که مردم مطابق با اجتهادهای سابق انجام داده اند را باطل تلقی کرده و مجدداً تکرار کنند و عبادات خود را اعاده کنند)؛

۴. می گوئیم اولاً: عسر و حرج همیشگی نیست و گاهی لازم می آید و طبعاً هر جا عسر و حرج لازم آمد، می توان قائل به اجزاء شد.

۵. ثانیاً: این اشکال (لزوم عسر و حرج) فقط مربوط به متعلقات نیست بلکه در «تبدل اجتهاد در احکام» هم ممکن است عسر و حرج حاصل شود.

۶. [تبدل اجتهاد در متعلق: اجتهاد سابق عقود غیرعربی و یا معاطاتی را صحیح می دانسته است و اجتهاد لاحق، آنها را باطل می داند. یا در ظهر جمعه، اجتهاد سابق قائل به وجوب نماز جمعه بوده است و اجتهاد لاحق قائل به وجوب نماز ظهر شده است.

تبدل اجتهاد در احکام: اجتهاد سابق، اقامه را واجب نمی داند و اجتهاد لاحق اقامه را واجب می داند]

۷. و ثالثاً: می توان با مراجعه به حاکم شرع، از هرج و مرج جلوگیری کرد (مثلاً اجتهاد سابق ۳ شیء را از حبوه برمی شمرد که اختصاص به پسر بزرگ دارد و اجتهاد لاحق ۴ شیء.)

ما می گوئیم:

آنچه خواندیم تقریر مرحوم آخوند از سخن صاحب فصول بود. در مقابل این فهم، تقریرهای دیگری هم از کلام صاحب فصول مطرح است که لازم است به آنها اشاره کنیم.